



## سخن رستاخیز

## سودمندی خمینی

سی سال از هجوم و اشغال ایرانمان بدست شوم ابلیس و ابلیس زادگان گذشت. دستاوردهای در این سالها آنچنان هراسناک و بی بدیل در تاریخ حیات بشری است که باید گفت ویرانی و کشتار و چپاول و ستم اسکندر و مغول و تازی و دیگر اقوام یورشگر به خاکمان، قطره ای است در برابر اقیانوس سخت بر این باور استواریم که این همه پلیدی و شر و فساد، بی یآوری «بیگانه» ممکن نبود، همچنانکه پدید آمدنشان به همت و بودنشان به اراده «بیگانه» بوده است.

خمینی، فاجعه اسلامی و نظام حکومتیش با همه جنایتها و غارتگریها و تباهی هابی که به ارمغان آورد و ملتی را به خون نشاند، ناخواسته و ندانسته خدمتی بزرگ به ایرانیان کرد و مجالی یگانه فراهم کرد تا غبار نشسته بر باورهای دینی خود را بزداپیم و با شناخت شماری از چهره ها و درنمایه ها، خانه تکانی کنیم و نسل های آینده ایرانی را از آسیب پذیری و درماندگی رهایی بخشیم. مردم، پیش از تحمیل خمینی به ایران، از اسلام و تشیع و رهبران آن یک سیمای آسمانی و پاک در اندیشه خود داشتند و به آنها پذیرانده شده بود که این پیشوایان در راه حق، انسانها و بویژه ستمدیدگان، زندانها و محرومیتها کشیده اند و در پیکار با ستم و جنایت و تجاوز و چپاول، حتی کشته شده اند. خمینی با بیرون کشیدن آتش از زیر خاکستر یک هزار و چهارصد ساله، فرصت بی همتای تاریخی برای ایرانیان بدست داد تا درونمایه دژند دین و مذهب و چهره پلشت آخوند و رهبران آن را بشناسند، دروغ و خرافه و تعصب را پایان بخشند و به گنه راستیها پی ببرند.

اکثر بازاریان یکی از ابزار بنیادی عقب ماندگی و کلاهبرداری و پراکندن دروغ و سوگند نادرست در ایران هستند که هدف آنها فقط مال اندوزی است و برای به چنگ آوردن «پول» از هیچ خیانت و جنایتی رویگردان نیستند و با ساختن جای «مهر» دروغین به پیشانی به عوامفریبی میپردازند

22 بهمن  
سالروز تیره بختی  
آریابوم



## فرشته چو پرفت اهریمن درآمد

و هر زمان که بیگانه خواست حجره و بازار میبندند و پول در اختیار ویرانگران میگذارند. در هنگامه فاجعه شوم اسلامی، ناگهان چهره ننگین خائن ترین کسانی که سالهای مدید بر سریر عالیترین شغلای کشوری و لشگری بودند و زیر حجاب میهن پرستی از همه مزایای قانونی و غیرقانونی بهره میبردند، شناخته شد که آخوندوش پرده ریا دریدند و آشکار شد که سالها و برخی نسل در نسل مزدور بیگانه بودند. باصلاح تحصیل کرده ها و روشنفکر مابان نزر و از خود راضی که در نکبت و بخون کشیده شدن و ویرانی آریاخاک نقشی بزرگ به گرده خود گرفتند، خمینی با اردنگی پاداش عمل آنها را داد و بایک تلنگر سرشت پلیدشان را برملا کرد. نگهبانان ناموس و شرف و خاک ایران، امیران و ژنرالهای مغرور و خودپسند آرتش شاهنشاهی که سالها با لباسهای رنگارنگ نظامی و ده ها مدال و نشان و واکسیل زرین، جولان میدادند، آن اندازه حقیر بودند که از «اهریمن» به هراس افتاده و نبردی صورت نگرفته مردم را رها کردند و گریختند و بیست و شش عدد آنها نیز در نهایت خواری آرتش را تسلیم کردند و مردم را بی پدافند به زیر تیغ آخوند دادند و راه گریز در پیش گرفتند. در برون از کشور نیز به هیچ روی برای رهایی ایران اقدامی نکردند و حتی یاری رسان مبارزه هم نشدند. گردانندگان سازمانهای حقوق بشری که وابسته به بیگانه بودند و به هر اشاره ای پارس

میکردند امروز در برابر این همه جنایت و بیداد خفه خون گرفته اند. شناختگری «فرصت طلبان» از شایسته ترین خدماتی خمینی بود. شرفیابختگانی که در دوران طلایی شاهنشاهی چه خوشرقصی ها که حتی برای مقامات دست هفتم و هشتم نظام سلطنتی نکردند و شبانه به کسوت طرفداران متعصب خمینی و رژیم ضد بشری او در آمدند و هیچگاه نیندیشیدند که بر مملکت و مردم چه اتفاقی افتاد. امروز نیز در کمین که اگر دگرگونی صورت گرفت بیدرنگ به جامه طرفدار رژیم جدید درآیند. کسی جز خمینی نمیتوانست ساده انگاری شماری از هموطنان و طرح ها و برنامه های شوم و قهرمان سازی و بخورد ملتها دادن سازمانهای پنهان بیگانه و بیش خواهی کشورهای قدرتمند و از میان برداشتن نظام های مردمی و برپایی رژیم های مزدور و دیکتاتور و استفاده آنها از اسلام را افشا کند. خمینی اما، چهره دیگری را نیز شناساند. میهن پرستانی گمنام که وفادارانه و سرسخت بی هیچ چشمداشتی، به بیگانه، خمینی و جمهوری اسلامی تروریستی «نه» گفتند و همچنان برای رهایی میهن میجنگند. این فرصت یگانه و تکرار نشدنی را از دست ندهیم و نگذاریم در این «بزنگاه» بودن یا نبودن، «بیگانه» سد راه رهایی میهن از چنگ خونین «آخوند» و «اسلام» شود.



از: دکتر حسن کیوده

## بازی با باروت

روز نامه نشنال چاپ ابوظبی در شماره روزشنبه بیستم دسامبر گزارش داد که امارات متحده عربی در چارچوب یک قرارداد نظامی جدید به ارزش سه میلیارد و سیصد میلیون دلار سیستم های مدرن موشکی از آمریکا دریافت می کند و نیروهای نظامی امارات برای راه اندازی و کار باین سیستم تحت آموزش کارشناسان نظامی آمریکا قرار می گیرند. هفته پیش نیز وزارت دفاع امارات متحده عربی از پایان مذاکرات با آمریکا در مورد "تفاهم نامه" همکاری فن آوری اتمی خریدار. در این رابطه مقامات وزارت خارجه آمریکا تأیید کردند که علی رغم نگرانیهای کنگره نسبت به گسترش سلاح های اتمی در خاورمیانه "تفاهم نامه" موسوم به "123" در حال تکمیل شدن است. گفتنی است که با اجرائ این "تفاهم نامه" که شبیه معاهده هسته ای سال 2005 هند می باشد نخستین همکاری هسته ای آمریکا با کشورهای عربی آغاز میشود.

خبری دیگر: به گزارش خبرگزاری ها تحویل موشک "اس 300" توسط روسیه به ایران آغا ز شده است. در حالی که مقامات روسی سعی می کنند فروش این موشک ها به ایران را مکتوم نگاه دارند نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران روز یکشنبه 21 دسامبر آغاز روند تحویل موشک های "اس 300" را تأیید کرد. موشک هوایی دور برد "اس 300" سلاح کاملاً پیشرفته و مدرنی است که می تواند حملات احتمالی اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران را خنثی کند. در این خصوص وزارت خارجه اسرائیل روز جمعه 19 دسامبر از روسیه خواست از فروش این سلاح به ایران که می تواند برای حمله به اسرائیل بکار رود خودداری کند. ایران نیز در پاسخ به ادعای

اسرائیل اعلام کرده است که این قبیل سلاح ها به منظور دفاع از مرزهای ایران خریداری می شود.

نگاهی به جومتشنج منطقه خاورمیانه: امارات متحده عربی ادعای واهی مالکیت جزایر ایرانی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی را به تشویق دولت های عربی و دیگر حامی و مشوق خود در منطقه در هر فرصتی تکرار می کند. مقامات اسرائیلی حضور ایران مقتدر و مجهز به سلاح های مدرن را از دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی تاکنون خطری جدی برای موجودیت خود قلمداد کرده و می کنند. حکومت مذ هبی ایران با اتخاذ سیاست حمایت از اعراب تند رو از جمله حزب الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی به ادعای اسرائیل مشروعیت می بخشد و رهبران آن کشور را در تهدید ایران به حمله نظامی بی پروا ترمی کند.

عربستان سعودی که با دسترسی به درآمد سرشار نفت سودای رهبری مسلمانان جهان را در سر می پروراند تنش ها و درگیری ها و حتی روشن شدن آتش جنگ های خونین بین کشورهای منطقه را بنفع می داند و در تحقق بخشیدن به این هدف بارهبران اسرائیل همداستان گردیده بی وقفه بر طبل جنگ می کوبد. (تامین هزینه جنگ های چریکی و شیبخون های عبدالمالک ریگی در بلوچستان و یاری رسانی به تجزیه طلبان خوزستان را بخاطر داشته باشید) و ملا عمر رهبر طا لبان و دستیاران او را برای مذاکره بانمایندگان دولت افغانستان به ریاض دعوت می کند بی آنکه از طرف آمریکا و متحدانش به حمایت از تروریسم متهم شود.

سوریه علیرغم تبلیغاتی که در زمینه نزدیکی آن با اسرائیل براه افتاده همچنان آن کشور را خصم تاریخی خود می شناسد گرچه عربستان سعودی سعی می کند با نوازش های پدران بر روی این زخم مزمن مر هم نهد. نقش فروشندگان اسلحه: بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا بزرگترین فروشنده اسلحه در جهان بوده و هم اکنون نیز برای درمان اقتصاد بیمار خود که حتی کارخانه های ماشین سازی آن قادر به ادامه حیات نیستند جز روشن کردن آتش جنگ های منطقه ای و فروش اسلحه به کشورهای درگیر چاره

دیگری ندارد. بر این اساس فروش موشک های مدرن به امارات متحده عربی و کسب یک درآمد سه میلیارد و سیصد میلیون دلاری کار تازه ای نیست.

روسیه بعد از فروپاشی "اتحاد جماهیر شوروی" با غرور شکسته وارد جامعه جهانی گردید و دوران کوتاه زمامداری بوریس یلسین آن را به کشوری "محتاج" مبدل کرد که انتظار می رفت برای ادامه حیات در کنار آمریکا و متحدانش البته چند قدم عقب تر از آنها حرکت کند اما ناسیونا لیسم مجروح روسی اقتدار و شان از دست رفته خود را می خواست. ظهور ولادیمیر پوتین در عرصه قدرت پاسخ طبیعی ای خواست ملی بود.

مقاومت در برابر تجزیه صربستان و شناسائی "کوزوو" بعنوان یک کشور مستقل به وسیله آمریکا و متحدانش و سپس قدرت نمائی در جریان بحران گرجستان و حضور ناوگان آن در آبهای کوبا و حمایت سیاسی از بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی روسیه را در موضعی قرار داد که توانست رفتاری جدی و مقتدرانه در برابر آمریکا و متحدانش در پیش گیرد و در مسابقه فروش اسلحه در بازارهای جهانی حضور فعال داشته باشد بر این اساس فروش "موشک های اس 300" توسط آن کشور به ایران اقدام دور از انتظار نبود و روسیه نیز به همان دلیل اسلحه به ایران و کشورهای دیگر می فروشد که آمریکا و متحدانش به امارات متحده عربی و عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه می فروشند و یا بلا عوض در اختیار اسرائیل قرار می دهند.

طبیعی است که "تولید کنندگان اسلحه" در عین حال "تولید کنندگان بازار" برای فروش مطاع خود نیز هستند. تحریک و تشویق "امیرنشینی" نظیر امارات متحده عربی به طرح ادعای واهی مالکیت جزایر ایرانی تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی و فروش سلاح های "مدرن" برای آن کشور دلیل دیگری جز تدارک جبهه جنگ جدید و "تولید یازار" برای فروش اسلحه ندارند. اما اسلحه فروشان قرن بیست و یکم غافل از این حقیقت هستند که با این عمل خود با باروت بازی می کنند. باروتی که لاجرم دامن تولید کنندگانش را به آتش خواهد کشید.



برای رهایی ایران

به رستاخیز ایران بپیوندید

<http://www.rastakhiz.org>

سبک سنگین

- بیاد داری بی بی سی در برنامه فارسی سی دی ماه 1357 چه گفت؟

- نه بیاد ندارم.

- گفت: «مردم ایران از آیت الله خمینی پیروی خواهند کرد، بدون توجه به اینکه وی آنها را به کجا رهبری میکند».

- البته "فراموش" کردند بگویند خود خمینی هم از "اینگلیس" پیروی خواهد کرد.

## ویرانی اقتصاد جمهوری اسلامی



\*\*\* دارایی های خود را  
از کشور بیرون آورید

از: دکتر فریبزر صدیقیان

بحران مالی جهانی و سقوط بهای نفت، شونند پیدایش دشواریهای اقتصادی برای ممالک جهان و کشور های تولید کننده نفت شد و در این میان جمهوری اسلامی که پایه اقتصاد خود را بر اساس درآمد نفت بنا کرده و فاقد یک برنامه اقتصادی علمی است نتیجتاً در برابر بحرانها بشدت آسیب پذیر است، متحمل خساراتی شده که برای بازیابی آن بیگمان به سالها وقت و صدها میلیارد دلار و یک برنامه کارآمد و ویژگیانی اقتصادی نیاز دارد. ولی، گردانندگان جمهوری اسلامی با پیشروی از فزونی رشد اقتصادی و توان مالی و آسیب ناپذیری برغم همه واقعبینها سخن میگویند و برای تایید مدعای خود به رونق بازار بورس تشبث می جویند.

تنها بورس های کشورهای عربی، 520 میلیارد دلار زیان نشان میدهند، بنابراین وضع اقتصادی ایران روشن و سقوط بازار بورس نیز کاملاً آشکار است و داد و ستد و واگذاری سهام در حقیقت ربطی به رونق بورس ندارد بلکه در روند خصوصی سازی کشور، همه دارایی های دولت و ملی و مصادره شده را بگونه سهام به ثمن بخش و درجه بندی سود آوری آن به خودیها و سپس به بقیه واگذار میکنند.

مشکل امروز جمهوری اسلامی کسری بیش از پانزده میلیارد دلاری بودجه سال جاری و کسری بیش از سی میلیارد دلاری سال آینده، تورم بیش از سی درصدی، رکود اقتصادی، کاهش درآمد نفتی و پایین بودن بهای آن، سقوط قیمتها، نقدینگی در اختیار مردم، فساد مالی، رشد بسیار اندک اقتصادی، تورم مزمن، بحران بازارهای پول و سرمایه، بیکاری گسترده و وجود نابرابری و فقر است، گفنتی که ایران با داشتن نرخ تورم 30 درصدی دارای رتبه سوم در جهان است سهم نفت در بودجه کشور افزون بر 68 درصد است که با کاهش بهای نفت، دولت نمیتواند به تعهدات خود عمل کند.

نفت ایران نفتی سنگین با بهایی پایین از میانگین ارزشی سبد نفتی اوپک است و کمتر از 30 دلار عرضه میشود و همچنان پایین خواهد آمد. در حوزه های نفت سنگین بسان ایران، با نفت بشکه ای حتی 40 دلار صرف نمیکند تا به تولید نفت

بپردازند. چنانچه بهای نفت تثبیت شود که معقول بنظر نیاید و با نگر به بحرانهای مالی جهانی و پایین آمدن شدید رشد اقتصادی کشورها، نمیتوان بر بهای نفت حساب کرد.

رقابت میان کشورهای عضو اوپک که حتی افزون بر سهمیه تعیین شده، نفت تولید میکنند، نیازمیرم آنها بفروش هر چه بیشتر نفت، تولید کمتر از چهل درصد از نفت جهان، رکود اقتصادی، صرفه جویی در انرژی، استفاده از دیگر منابع نیروزا و افزایش شدید مصرف داخلی ممالک نفتخیز، سبب خواهد شد که کاهش نفت از سوی اوپک تاثیر چندانی بر قیمت نفت نخواهد داشت.

زیان ناشی از کاهش بهای نفت ایران افزون بر 67 میلیارد دلار است و دولت برای پرداختها، ناگزیر به برداشت از حساب ذخیره ارزی است که پیش از این بارها بدون مجوز مجلس و تنها بدستور خامنه ای انجام داده است. مبلغ موجود در حساب ارزی روشن نیست. وزیر اقتصاد، نمایندگان مجلس و دیگر مقامات از 15 تا 25 میلیارد دلار سخن میگویند ولی رییس جمهور از وجود 9 میلیارد دلار میگوید که برای پرداخت حقوق و خرید و واردات غذا و مخارج کشور اختصاص یافته است.



این گفته ها به این معنا است که از افزایش بهای نفت، ذخیره ای نشده و همه به مصرف رسیده و با حیف و میل و گمشدن مبالغ هنگفتی پول، بزبان ساده، میلیاردها دلار «دزدی» شده است. رییس کمیسیون اقتصادی مجلس میگوید که برداشتهای دولت از ذخیره ارزی با اجازه مجلس نبوده و از سوی نمایندگان، طرح تحقیق و تعحص از حساب ذخیره ارزی را به مجلس داده اند. رفسنجانی میگوید که احمدی نژاد در برابر هیچکس پاسخگو نیست. محمد شریعتمداری وزیر پیشین بازرگانی میگوید، دولت نهم در دو سال اخیر بیش از 250 میلیارد دلار درآمد

داشته و پاسخ نمیدهد که چه اندازه از ذخیره ارزی مصرف شده است و احمدی نژاد هم در شهر قم میگوید که باندهای مافیایی میلیاردی میبرند!

دولت نهم در پی خصوصی سازی یا «سرمایه داری» یا «آمریکایزه» کردن کشور، که نیازمنابع بسیار مالی دارد، اقدام به فروش بانکهای دولتی کرده که تا کنون 3 بانک دولتی، ملت، تجارت و صادرات را بفروش رسانده است، بدنبال طرح «تحول اقتصادی» است که اهم آن حذف یارانه های دولتی و پرداخت نقدی به مردم است که بگفته رییس کمیسیون اقتصادی مجلس این طرح، هزینه ها را بین 500 تا 300 درصد گرانتر خواهد کرد. سیاست تجارت خارجی دولت نهم، هزینههای سنگینی به اقتصاد کشور تحمیل کرده است و در سال جاری بیش از 80 میلیارد دلار واردات و 15 میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشته است. دولت احمدی نژاد عملاً ورشکسته است. جمهوری اسلامی برای از دست ندادن سالانه 5 میلیارد دلار برای خرید بنزین از خارج، حتا توان ساخت چند پالایشگاه را ندارد و برای جمع آوری نقدینگی از دست مردم و جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور، بیش از 47 میلیارد تومان هزینه تبلیغ برای بانک ملی کرده و این در حالی است که برای اجرای یک طرح پیش افتاده درخواست یک میلیارد دلار وام با بهره سنگین از بانک جهانی کرده است. ایران برای رویارویی با بحرانهای مالی ناگزیر باید به تقویت محرکهای اقتصادی، کم کردن مالیات، تولید، کنترل بانکها و صندوق های مالی و جذب سرمایه بپردازد.

بانک جهانی نیز برای مقابله با رکود اقتصادی از دولتها میخواهد که از سیاست پشتیبانی از صنایع داخلی خود، پیروی نکنند. دوگانگی روش اقتصادی، ندانم کاری، عدم پاسخگویی، دزدی و فساد مالی، وجود کانونهای قدرت، سهم خواهی فعالین در انقلاب اسلامی و جنگ با عراق، از جمله دشواری های حل نشدنی کشور است. رژیم برای پیشگیری و کنترل نا آرامی های آینده، ناچار به اتخاذ اعمال زور و محدودیتهای بیشتری خواهد شد و بی شک از خروج سرمایه، ارز، طلا و جواهر و اشیای قیمتی ممانعت خواهد کرد.

از این روی ایران نا امن ترین سرزمین برای سرمایه گذاری و نگهداری دارایی است و با پایان گرفتن درآمدها، بییقین دستار بندان اقدام به باج ستانی و دستبرد و مصادره دارایی مردم خواهند کرد.

بنابراین توصیه میکنیم فریفته ترفندهای تبلیغات رژیم نشوید و هر چه سریعتر، ثروت خود را از کشور خارج کنید که به حتم زیان وارده قابل جبران نخواهد بود.

## همه حرف است و فسون و افسوس

داریوش همایون نویسنده "نامه"

از: دکتر مسعود خوشنود



**شرط است سعد یا که به میدان عشق دوست خود را به پیش تیر ملامت سپر کنی**

در یک روز دلتشین بهاری، داریوش همایون روزنامه نویس و دولتمرد پیشین، سرانجام مهرسکوت 25 ساله را درباره نامه «احمد رشیدی مطلق»، که چاپ آن در روزنامه اطلاعات، اخگری بود بر انبار باروت ایران آماده شده برای انفجار، شکست و به پندار خود حقایق انتشار «نامه» را در یک نوشتار بلند، همپا با داستان هیجان انگیز فرار از زندان و ایران را، البته در پی ربع قرن سگالش، از شماره 735 هفته نامه لندن «نیمروز» در چند شماره بدست چاپ سپرد و به وارون راستادی، مسئولیت نوشتن «نامه» را از خود سترد و پیشرمانه به دیگران نسبت داد.

در همان هنگام پاسخی به این نوشتار از سه راه پست، فکس و ای-میل برای «نیمروز» روانه شد که مدیر آن ناهمگون با نخستین پایه های روزنامه نویسی و در باور به دموکراسی و آزادی قلم؟؟ که سالیان درازی است سردرکار تمرین آنها دارد، از چاپ پاسخ خودداری کرد تا مبادا که «مقریش» خدشه ای یابد. وارونه نمایی و تحریف راستیهای تاریخ گناهی است بس بزرگ و هنگامی نابخشودنی است که ابزار پدافند و ستردن گناه از خود و محکوم کردن شخصیت‌های ارجمندی شود که به ابدیت ره سپرده و یارای بیان درستیه‌ها و پاسخگویی نداشته باشند.

میگویند: «برای شکست یک ملت بسنده است که غرور و افتخارانش را پایمال کنید و اگر این روال ممکن نشد، جدا کردن پهلوانان و قهرمانان آن ملت از گردنفرزایه‌پاشان، به یقین کافی است».

فشرده پیام همایون، که کوشیده واقعیتها، مانا در تاریکی رویدادها باشد وبا پیچیدگی بسیار همراه و فراوان تلاش کرده تا خواسته خود را «موزیانه» به خوانندگان القاء کند، آن که، شاهنشاه هرانقادی را ولو کوچک و سازنده از هر کس؟ و هر جا؟ در هر زمان بر نمی تافتند و به هرگونه ممکن به پاسخگویی میپرداختند، پس خودکامه و پای بند به هیچ اصولی نبودند و «نامه» بامر شاهنشاه تهیه شده، هویدا و همکاران او در دربار شاهنشاهی، نامه را نوشته و به او داده اند تا دستور چاپ آن را بدهد، گواه و امر دیگر در این باره جمشید

آموزگار نخست وزیر وقت است. - آموزگار خود در موضوع نفت، زمینه سازی برای فاجعه اسلامی سال 1357 و جستارهای دیگر متهم به خیانت به کشور است. - سرانجام اینکه او - همایون - فردی مبارز؟ و آزادیخواه؟ است و امرگریز از زندان جمشیدیه در روز پر آشوب 22 بهمن و سپس از ایران و پیوستن به خانواده، تنها شانس و درایت خود او بوده است.

چنانچه بافته های همایون را بگونه در بسته پذیریم، بر پایه اصول قانون اساسی مشروطیت او دستکم مرتکب دو جرم آشکار شده است. بر اساس اصل شصت و چهار، «وزرا نمیتوانند احکام شفاهی و کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.» دو دیگر، اصل شصت و هشتم بر این بنیاد است که: «وزرا موظفا نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند.»

همایون اگر کمترین وظیفه و مسئولیتی در برابر ایران، شاهنشاه و وجدان برای خود پذیرا بود، بویژه با هشدار جدی شهیدی سردبیر روزنامه اطلاعات، میبایستی موضوع را پیش از انتشار، بشرفعرض شاهنشاه میرساند و برای عدم چاپ «نامه» پافشاری میکرد. به فرنود بستگی نزدیک با اردشیر زاهدی و همسری با هما زاهدی، عضویت کابینه و تماس دائم با نخست وزیر، همایون به آسانی میتوانست شرفیاب شود و هیچ بهانه و عذری از او در این امر مهند و خیانتی که از سوی او صورت گرفته است، پذیرفتنی نیست.

اما اگر بافته های او را نپذیریم که اساساً هم میپذیریم، بیگمان، احمد رشیدی مطلق نویسنده «نامه»، نامستعار همایون است که برای هدف ویژه ای مرتکب نگارش «نامه» شده است. با فشار دولت تازه روی کار آمده دموکرات آمریکا، کابینه جمشید آموزگار تشکیل و نقش خرابکاری، ناراضی تراشی، کارشکنی و هموار کردن زمینه «فاجعه اسلامی 1357» را در بخش سیاسی درون کشور بعهد گرفت و اجرا کرد. - چند تنی از وزیران کابینه خیانت، خود را با نیرنگ بازی به پهنه مبارزه رهایی بخش تحمیل کرده اند از جمله مجیدی، نصرافهانی تا در ادامه ماموریت، بفریب مبارزین و پاشیدن تخم نفاق و بازدارندگی رهایی ایران بپردازند و رژیم

اسلامی را سرپا نگهدارند. - با تشکیل کابینه آموزگار، همایون بی هیچ سابقه دولتی و اداری، به سمت وزیر اطلاعات برگماشته شد و سخنگویی دولت را بعهد گرفت. آموزگار از همان ابتدا بیاد کینه های گذشته و امر بیگانه، به رویارویی با هویدا پرداخت و تلاشهای او را به باد داد و از شاهنشاه درخواست کنارگذاشتن ارتشبد نصیری و شماری از همکاران کاردان او را از ساواک کرد و با این ترفند سپر امنیتی کشور را درهم ریخت و در یک اقدام حساب شده، مستمری آخوندان را که از صندوق تمرکز وجوه اوقافی سازمان اوقاف پرداخت میشد قطع کرد و به بهانه «سفت کردن کمر بندها» نه تنها استخدام در بخشهای دولتی را ممنوع کرد بل گروه زیادی نیز اخراج شدند و از بودجه بسیاری از سازمانهای دولتی و عمرانی و آرتش کاست.

با آماده شدن جو شورش و مرگ پسر خمینی در نجف و انتشار شایعات بی پایه بسیار، فرصتی بی مانند برای نخست وزیر و وزیرش فراهم شد تا آتش را برپا کنند و بهمراه آن نیز از دشمنان قدیم کینی بستانند و آنها را گناه کار نمایش دهند. یک تیر و چند نشان. بنابراین بدستور آموزگار، نخست وزیر وقت، «نامه» بقلم داریوش همایون نوشته و به چاپ رسید.

بهر روی با توجه به درگیری وزیر دربار و نخست وزیر، کینه شخصی همایون بر سر مالکیت و مدیریت روزنامه «آیندگان» با هویدا، مقام برتر وزیر دربار شاهنشاهی و ویژگیهای اخلاقی و آداب خاص هویدا، گفتگوی تلفنی هویدا با همایون پذیرفتنی نیست. همچنین دکتر غلامعلی غفاری که سالها مدیریت کل دفتر اختصاصی نخست وزیر و سپس وزارت دربار را به پیمان داشت و بسیار مورد احترام و معمر بود نمیتوانست نامه رسان شده و برای همایون تازه بدوران رسیده حامل نامه وزارت دربار باشد. بی گمان دربار شاهنشاهی از خدمات شماری نامه رسان برخوردار بود که میتوانستند کار خود را بخوبی انجام دهند، بنابراین نامه رسانی در مقام و بلندپایگی دکتر غفاری نبود، این ادعای همایون نیز نادرست و منتفی است.

افزون بر این، وزارت دربار از اداره کل روابط عمومی کارآمدی بهره میبرد که مدیریت کل آن با کامییز یزدان پناه بود که بسیار کاردان و با تجربه بود و پیوند صمیمانه ای با رسانه ها داشت و میتوانست به سهولت «نامه» را به چاپ برساند و نیازی به دخالت وزیر دربار و نخست وزیر و اطلاعات نبود.

در دنیای رسانه ها همواره کوشش میشود تا

کوششهای میهنی و محبوبیت او و رقابت جناح «پیشرو» = مزدور بیگانه، به پدرخواندگی جمشید آموزگاریا جناح سازنده، دفاع دکترآزمون از روزنامه نگاران و کارکنان اخراج شده و یا دراختیارکارگزیی حزب قرارگرفته نشریه های حزب رستاخیز که همایون مرتکب آن بود، مایه وارد کردن اتهام بی پایه به آزمون است. آزمون بمانند همایون هرگز موفق به گریز از زندان نشد تا بدفترکسی بروداگرهم بزور به مکانی برده شده باشد دیگردراختیار ایشان نبوده است.

پاکدلانه با سخن همایون موافقیم، از «آنها» بدست اسلامیتها کسی بقتل نرسید ولی از «ما» بی شمار کشته شدند. زیرا اساسا قرارنبود به مزدوران چشم زخمی برسد، آخر حکم تنها برکشتارمیهن پرستان بود.

نازک سرشتی همایون در اشاره سردستی به «غلبه» تازیان و شکست ایرانیان، شگردی نیست جز برای مردم فریبی، برانگیختن احساسات میهنی و بازگرداندن توجه خوانندگان به جستارهای حاشیه ای همایون و شماری از رجال و دولتمردان، از پای درآمده بی انگاری و عدم خویشکاری خود در برابر میهن و مردم شده اند و میبایستی زمانی پیش از این که بر سریر قدرت بودند به اندیشه مبارزه و چاره جویی با «غلبه» برمیآمدند و بیشتر به فراگیری تاریخ و فرهنگ و منش ایرانی می پرداختند نه امروز. که حتی آن روز هم آگاهانه سد و بازدار راه مبارزه با «غلبه» شدند.

بافته های خنده آورریش گذاشتن درزندان جمشیدیه و معجزه فرار از زندان و ایران، پیوستن بخانواده در سویس و پند دوستان؟! برای مبارزه؟!، رانمی پذیریم. زیرا دکترضیا مدرس تیرباران و دکترعبدالعظیم ولیان نیز درگذشته است، بنابراین شاهدهی درمیان نیست و او بازچنگ به سالوس و نیرنگ زده است. آگاهان براین باور هستند که «یاور» برای ریش گذاردن و گریز از زندان و ایران و ترکیه، مصاحبه ها، شرکت در مبارزه رهایی بخش، یکصد ساعت تدریس رضا شاه دوم، برپانمودن حزب؟! مشروطه؟!، پرداخت هایی به چند روزنامه و رادیو و تلویزیون فارسی زبان مزدور، امرار معاش شخصی، هزینه سفرها، اسراییل است که در بالا کشیدن او نیز از مصححی در چاپخانه تا تاسیس روزنامه آیندگان و قائم مقامی دبیرکل حزب و وزارت اطلاعات دخیل بوده است.

بهر روی، حقیقت میتواند تا مدتی در حجاب دیر کرد و فراموشی جا خوش کند و میتواند زمانی چند در بند تحریف و کژگونی دست و پا بزند بیقین اما، هیچگاه مستور و پوشیده نخواهد ماند.

کاش داریوش همایون این معنا را میفهمید.

بی انگاری او به اهمیت نامه ای که به اقرار خودش به امرشاه و سفارش شخصی وزیردربار و نامه رسانی! مدیرکل دربار نوشته شده معنایی ندارد جز عدم دلبستگی و اعتقاد او به «ایران»، و کارگزاری بیگانه. همایون با سودجویی نادرست از شگردهای روزنامه نگاری، اشاره فریبکارانه ای دارد که «نامه» به قلم رییس دفتر هویدا بنگارش درآمده و این را شهیدی سردبیراطلاعات نیز میدانست ولی، او را متهم و آماج تاخت و تاز کردند.

فرهاد نیکوخواه که مورد اشاره همایون است نه رییس دفتر مطبوعاتی که مشاور عالی هویدا و از چهره های برجسته و پیشکسوتان روزنامه نگاری است و سبک نگارش او را اهل قلم و نظرمیشناسند و «نامه» بقلم او نیست. همایون می گوید که «فکر» دستگیری و اعدام؟! دولتمردان را دکترمنوچهرآزمون به «شاه» داده است. بیگمان چنین نیست، چرا که آن روزها به فرزند بیماری گشوده شاهنشاه، سکان کشوریه دلایلی درکف بی کفایت رضا قطبی پسر دایی و دستیاری سید حسین نصر رییس دفتر شهبانو و همکاری شماری خائن که درخانه شاهنشاه به کمین نشسته بودند، قرارداشت که متن «صدای انقلاب شما...» را که همایون به آن اشاره دارد به شاهنشاه تحمیل کردند و برنامه هایی نیز تدوین کرده بودند که از آن جمله دستگیری رجال مملکتی با هدف بی دفاع کردن کشور و تسلیم به بیگانگان بود. بنابراین بازداشت رجال کشور پیوندی با دکترآزمون ندارد.

حضور مهند و چشمگیر آزمون در جناح «سازنده» = میهن پرستان، حزب رستاخیز و

اخبار و مطالب تازه انتشاریابد و مراقبت میشود تا خبری یا مطلبی را به اصطلاح اهل قلم، «نخورند» و «آیندگان» از این قاعده مستثنی نبود. در آن روزهای بحرانی و رقابت تنگاتنگ با روزنامه های «رستاخیز»، «اطلاعات» و «کیهان»، مناسبترین روزنامه برای چاپ «نامه» بود و چنانچه دستور از دربار بود، فرصتی طلایی برای چاپلوسی و نامی شدن و همچنین بالابردن فروش و شمارگان «آیندگان» بدست داده بود و دیگر نیازی به دستور و سفارش مقامات هم نبود چرا که همایون خود دارنده و گرداننده «آیندگان» بود. اما همایون «نامه» را ریاکارانه به روزنامه «اطلاعات» پذیراند. اینکه چرا در «اطلاعات» منتشر شد باز میگردد به دشمنی همایون به هنگام کاردر این موسسه بعنوان «مصحح»، با سناتورعباس مسعودی، که حال موقعیت مغتتمی برای انتقام فراهم آمده بود. همچنانکه نشریه های این موسسه هیچگاه از زخم قلم و زبان اودرامان نبودند و گواه این ادعا، همین بافته های خود او در «نیمروز» است.

همایون می نویسد پاکت مهرشده دربار را پیش خود نگهداشته و چند برگ درون آن را به علی باستانی خبرنگار اطلاعات داده است و نمی نویسد که این چند برگ آیا دارای مهردربار بوده است؟ و پاکت و برگها چه شدند؟ به گواه مسئولین وقت روزنامه اطلاعات، برگهای نامه دارای مهر و یا نشانی نبودند. اساسا او نمی گوید به چه انگیزه ای نامه را باز کرده و چرا پاکت مهردار را پیش خود نگهداشته است؟

## امام زاده سیار...



سرویس سریع اسلامی دم در منزل

## علیحضرت رضا شاه بزرگ



**سردار بزرگ ایران ساز**  
غرش سهمگین توپ در پگاه سوم اسفند ماه 1299، غرش بیداری ایران و غرش بزرگ مردی دلیر برای نجات میهن بود که بر سر بزنگاه پریشانی و درهم شکستگی کشور از ژرفنای نیا خاک به پا خواست و با شجاعت و ایثار و درایت، آریا خاک را از ورطه سقوط و نیستی رهایی بخشید.

جمهوری اسلامی همه هزینه های خود را در آمریکا، از محل درآمد بنیاد به دلیل محدودیت قانونی یاد شده، پرداخت میکند که در بین میان دزدی ها و اختلاس های بسیاری صورت میگیرد. با این حال سالانه صدها میلیون دلار در آمریکا انباشته میشود که محل پرداخت شبکه های جاسوسی و تروریستی و مساجد و گروهها و انجمنها و بنگاههای مذهبی و تبلیغات و خبرچینها و معالجه و خوشگذرانی آخوندان و بستگان آنها و رشوه و خرید مقامات بیگانه میشود.

البته پرداخت از محل این پول به «امدادهای غیبی» معروف است که شامل حال ده ها روزنامه و رادیو و تلویزیون ماهواره ایی میشود که همچو قارچ میرویند و مجریان دانشمند و هنرمند آن با وقاحت بی بدیل و آخوندوش، خاک به چشم میهن پرستان می پاشند و مبارزه رهایی بخش را به لجن میکشند و افکار ایرانیان را آشفته، و از هم پراکنده میکنند، تا رژیم اسلامی چند صباحی بیشتر به عمر ننگین خود بیفزاید.

فعالتهای غیرقانونی جمهوری اسلامی و بویژه گزین «بنیاد» در همه این سالها در آمریکا از چشم تیزبین مقامات این کشور پنهان نبوده است. اینکه کسی دستگیر شده و یا جایی و پولی توقیف شده، تنها به یک «گول زنک» و یک «مانور» ماهرانه میماند و دستکم بیش از ده میلیارد دلار بنیاد در آمریکا، «آمریکا خور» شده است. دوستدار شما **قلندر**

به یاد سربازان گمنام و نامدار ایران زمین که به دست اهریمن و اهریمن زادگان به جوخه های اعدام سپرده شدند

## غرش پهلوانان

تک تنیده های بخون تپیده

سرو قامتانی که نه سر بر آستان بیگانگان و انیران فرود آوردند و نه پشتیبان و نگاهبان جنایت و خیانت و بیداد بر مردمان خود شدند.

آبر زنان و مردانی که نه تنها بوسه بر دست اهریمن نزدند و سر بر دامن بیگانه نساییدند بل دلاورانه جان بر سر نیاخاک ورجاوند خود باختند. این آیین سروقامتان سرزمین ماست که ایستاده و با فریاد «پاینده ایران» میمیرند. بیگمان تا روز رهایی آریابوم از چنگال اهریمنان، هرگز و هیچگاه غرش پهلوانان خاموش نخواهد شد.

این قانون جاویدان «ایران زمین» است.

مصرف شود. ایران شاهنشاهی از این قانون مستثنی نبود و دستآمد سرمایه گزاریها، برای هزینه آموزشی دانشجویان بکار میرفت.

آخوندان برای «ملاخور» کردن داراییهای بنیاد در آمریکا با دو دشواری روبرو بودند، سلب مالکیت از «واقف» یعنی شاهنشاه و قوانین مالی آمریکا. مشکل نخست با دستور بیگانه و خیانت «جعفر شریف امامی» نخست وزیر، رییس مجلس سنا، فراماسون، از بازیگران پنهان فاجعه اسلامی و نایب تولیه بنیاد پهلوی، که در پس بقدرت رسیدن خمینی در سفارت جمهوری اسلامی درواشینگتن حاضر و اسناد مالکیت را بسود آخوندان امضاء کرد، بزعم خودشان حل شد. برابر قوانین مدون حقوقی شریف امامی نایب تولیه بوده و تنها میتواند دارایی های بنیاد را «تبدیل به احسن کند» ولی حق دخل و تصرف و فروش را نداشته و هر فعل و انفعال در این راستا «غیرقانونی» و «حرام» و «نامشروع» است. در حقیقت این مشکل حل نشده و رو پوشانی شده باقی ماند. برپایه قوانین حقوقی و اسلامی نمیتوان تغییری در اساس بنیاد و خواسته «واقف» بعمل آورد و یا سلب مالکیت از ورثه قانونی و شرعی و یا کس و یا کسانی که واقف در وقفنامه نام برده است، کرد. از سوی دیگر بر اساس «وقف نامه»، «پانزده درصد» از درآمد بنیاد که واقف معین کرده است به «تولیت» تعلق میگیرد که در این سی سال حتما باید به اولاد ارشد ذکور واقف پرداخت میشده که روشن نیست این پول را «رضا شاه دوم» وارث شاهنشاه دریافت کرده اند؟ و یا در این باره «گفتگویی»، «معامله ای»، «توافقی» یا «شکایتی» انجام گرفته است؟ با این اشاره که دارایی بنیاد بالغ بر دهها میلیارد دلار است.

برای مزید اطلاع

### از بنیاد پهلوی تا بنیاد علوی

سالها پیش از فاجعه اسلامی، با سرمایه و فرمان شاهنشاه آریامهربرای انجام امور خیریه و رفاه مردم، بنیادی بنام «پهلوی» تاسیس شد که تولیت آنرا شاهنشاه بعهد گرفته بنیاد در همه این سالها منشا خیر و نیکی و یاری بود و برای ایجاد درآمد برای انجام تعهدات خیرخواهانه خود و همچنین شرکت فعال در آبادانی و ترقی کشور، اقدام به سرمایه گزاری در رشته های گوناگون کرد. از جاییکه بنیاد سالانه هزینه تحصیل بسیاری از دانشجویان ایرانی را در آمریکا می پرداخت. اوایل دهه هفتاد در پی مطالعاتی برای فراهم آوردن درآمد بیشتر، هزینه کمتر و سهولت بیشتر پرداخت ارز تحصیلی دانشجویان، بنیاد سرمایه گزاری هایی در آمریکا کرد که از آن جمله ساخت آسمانخراشی بنام پیازه در خیابان پنجم نیویورک بود که همه و نمایندگی های سازمانهای ایرانی از جمله سرکنسولگری ایران در این ساختمان مستقر شدند.

فاجعه اسلامی فرصتی برای شیخ ابوشان آفرید که ضمن تصاحب همه داراییهای بنیاد در ایران، برای مردم فریبی و به چنگ آوردن مابقی اموال بنیاد در خارج از کشور برخلاف عرف، نص قانون و قوانین اسلام، مرتکب زیرپا گذاشتن هدف و آرمان «واقف» در «وقف نامه» بنیاد شده و حتا نام بنیاد را از «پهلوی» به «علوی» جابجا کردند.

بر اساس قوانین مالی آمریکا، درآمد سرمایه گزاریهای خارجی در آمریکا اجازه انتقال به خارج را ندارند و باید در آن کشور

## نقش غرب در فاجعه 1357 ایران

از: اشکان خوشنود

**اشاره:** پایان نامه زبان فارسی اشکان خوشنود نوجوانی که در برون از آریا بوم زاده شده و هرگز بخت دیدار میهن خود را نداشته است در بر گیرنده نکته ها و آگاهی هایی بود که دریغ مان آمد که به دست انتشار سپرده نشود.

این پژوهش نشاندهنده مهر و دلبستگی ژرف نسل امروز به ایران، آیین پادشاهی و انزجار از حکومت خون و بیداد است. با سپاس میهن پرستانه از اشکان گرامی که پروانه انتشار این نوشتار را به ما ارزانی داشت. **آزریاد**

در پی این رخداد، مسجد شهر کرمان نیز به آتش کشیده شد که بیش از 250 تن در آن جان باختند، که باز شایعات این اقدام را متوجه شاه و ساواک میکرد که چندی بعد روشن شد که آتش زدن مسجد توسط فداییان اسلام به سردستگی آخوند فهیم کرمانی - نخستین فتوا دهنده و اجرا کننده سنگسار بانوی ایرانی در کرمان - و دستور خمینی بوده است. پس از فاجعه غم انگیز سینما رکس نخست وزیر، جمشید آموزگاراژ سرسپردگان حزب دموکرات آمریکا بر کنار و جعفر شریف امامی - رییس مجلس سنا و استاد اعظم فراماسونهای ایران - به نخست وزیری برگزیده شد. جمعه 17 شهریور 1357 دولت شریف امامی در تهران و یازده شهر دیگر اعلام حکومت نظامی میکند، با این حال تظاهرات کنندگان بامدادان بی توجه به اعلام حکومت نظامی در میدان ژاله گرد آمدند که موجب درگیری و کشته شدن شماری شد. مخالفین بلافاصله اعلام کردند که ده ها هزار تن در میدان ژاله؟ کشته شده اند و فیلسوف! معروف فرانسوی، «میشل فوکو» اعلام کرد که بین 2 تا 3 هزار نفر کشته شده اند و بعد ها نیز این شمار را به بیش از 4000 تن رساند و نوشت که تظاهر کنندگان از مرگ نمی ترسیدند و این موضوع را در غرب تبلیغ و بسیار بزرگ جلوه داد.

پروفیسور «مارتین کرامر» متخصص مسایل شرق نزدیک در دانشگاه اسرائیل نوشت: «فوکو» باور داشت که خمینی نجات دهنده ایران است و در این میان تندروان اسلامی شایع کردند که سربازان اسرائیل از هلی کوپتر به مردم شلیک کرده اند. این آمار بر پایه گزارش تحقیقی "عمادالدین باقی" که از انقلابیون اسلامی و از مقامات بنیاد شهید اسلامی بود، نادرست اعلام شد. او نوشت که فقط 64 نفر کشته شده اند.

بعد ها معلوم شد که سازندگان این واقعه شوم نه سربازان اسرائیلی بودند و نه ایرانی

بلکه چریک های فلسطینی بودند که مخفیانه به ایران آمده بودند و در میدان ژاله برای درگیری بیشتر و ایجاد «جنون خون»، هم به مردم و هم به نظامیان شلیک کرده اند. یکی از کشته شدگان یک خبرنگار جوان آمریکایی بود که «گلوله» پیدا شده در تن او جزو گلوله های سازمانی ارتش شاهنشاهی ایران و شهربانی نبود.

یاسر عرفات، در یک گفتگوی افشاگرانه با صفا حائری روزنامه نویس ایرانی را اعتراف کرد و گفت: بیش از سه هزار چریک فلسطینی فقط ازال فتح، سازمان او، به ایران رفته بودند تا نظام سلطنتی را ساقط و از خمینی ورژیم او پاسداری کنند - عرفات پس از تشکیل جمهوری اسلامی اولین نفری بود که به ایران آمد و یک صد میلیون دلار بعنوان کمک به فلسطینیان و در واقع دستمزد از خمینی دریافت کرد -

چریک های فلسطینی همین شیوه را نیز در شهر تبریز در شانزدهم سپتامبر 1978 بکار گرفتند که طی آن 9 تن از هموطنان ما بدست آنها کشته شدند، که البته شایع کردند ارتش ایران دست به این اقدام زده و صد ها نفر کشته شده اند که حقیقت بعدها روشن شد که این عمل توسط فلسطینیها انجام شده بوده است.

برای خمینی بسیار ضروری بود که در این آشوبها هر چه بیشتر از مردم عادی کشته شوند تا مثل «شهید» از آنها بر علیه نظام پادشاهی و شخص «شاه» تبلیغ و سو استفاده شود. از کارهای فریبکارانه اسلامیستها، ریختن مواد رنگی و «مرکورکروم» در جو آب بود تا مردم تصور کنند که هموطنانشان دارند از سوی ارتش قتل عام میشوند و تحت تاثیر قرار بگیرند و به مقابله با «نظام» برآیند.

این موضوع و حيله هایی از این دست در مناظره تلویزیونی میان آخوند بهشتی از یاران مهم خمینی و از سران اسلامیستها و مجاهدین در سال 1981 از سوی آخوند بهشتی افشا شد. شاهنشاه در 16 ژانویه 1979 همان روز که شاهپور بختیارکه از مخالفان قدیمی و عضو جبهه ملی بود از مجلس شورای ملی به عنوان نخست وزیر رای اعتماد گرفت، با چشمان اشکبار کشور را بر خلاف خواسته خود ترک کرد. او پیش از خروج به ارتش شاهنشاهی دستور اکید داد که خون کسی ریخته نشود.

در اول فوریه 1979 طبق برنامه، خمینی به ایران آمد و ده روز بعد در 11 فوریه ارتشبد خان عباس قره باغی، ارتش را بی طرف اعلام کرد و بدین ترتیب اسلامیستها، کشور بی دفاع را اشغال کردند.

اول آپریل 1979، زمانی که مردم تحت تاثیر روانی و فیزیکی تسلط اسلامیستها بر کشور بودند و بدون اجازه دادگاه های انقلاب و پاسداران سرا پا مسلح کسی قادر به نفس کشیدن نبود، خمینی اقدام به برپایی فوری فراندنم ←

## دادخواست

## حرفه ای ها

اپوزیسیون برونی ایران در سی سال مبارزه، ناخواسته غوطه ورمشکلاتی است که محصول مشترک «اجنبی» و «آخوند» میباشد. اولی در طلب «فزونخواهی» و دومی در پی «نگهداری» خویشتن خویش. نیرنگها، کارشکنیها و شگردهای بازدارنده آنها بی هیچ دودلی در خور درک است. ولی کردار شماری از هموندان اپوزیسیون، حرفه ایها، نه شایسته فهم است و نه سزاوار پذیرش. مگر دامان گیر مبارزه.

«حرفه ایها» پی چرا و چگونه و درونمایه مسایل را نمیگیرند. دربند میهن و اعتقاد و اصول و منش نی اند. وفاداری و از خود گذشتگی را حنا «بو» نکرده اند. سر سفره هرکنگره و همایش و نشست و عضو هر دسته و گروه و جمعیتی اند. زیر هر نامه سر بسته و سرگشاده و تومار و تسلیت و شادباش و اعلامیه و فراخوانی را دستینه میکنند و در این آشفته بازار، تنها به «ارائه» خود میاندیشند و سرگشته «نامی» شدن که ریشه در گره های روانی دارد، هستند.

برخی از «حرفه ایها» بیاری تکنولوژی بی درو پیکر، «آبونمان» دائمی برنامه های اینترنتی و رادیوها و تلویزیونهای ماهواره ای از هر «نوع» هستند تا به هر شیوه مرضیه و یا غیرمرضیه ای خود را «بنمایانند». کاش «حرفه ایها» جویای نام، نیم نگاهی به گرداگرد خود می انداختند تا نگاه های دادخواهانه امروز و سزادهنده فردا را میدیدند.

## روایت

## چرا چنین شد

«در شرفیابی دوم نمایندگان شرکتهای نفتی که چند ساعت به درازا کشید، شاه سرحال بیرون آمد و گفت که دیدگاههای خود را به روشنی بازگو کرده و گفته است یا پیشنهاد مرا قبول میکنید که به شما در بیست و پنج سال آینده با تخفیف معقول، نفت میفروشم یا اینکه قرارداد فعلی را در 1979 خاتمه میدهیم. آنوقت آزاد خواهیم بود که هر کاری میخواهیم بکنیم.»

کتاب خاطرات علم وزیر دربار شاهنشاهی

راوی

برای تعیین نوع نظام مملکت کرد و با کنترل دو صندوق «آری» به «جمهوری اسلامی» و «نه» به نظر خودش با اکثریت قاطع پیروز و رژیم جمهوری اسلامی را به مردم ایران به زور تحمیل کرد.

ادامه در شماره آینده...

مته به خشخاش

### ای قوم به حج رفته

به میمنت و مبارکی یکصد و چهار هزار تن از هموطنان گرامی بدون آتش سوزی و درهم بردن! وهابیه و سانحه «طیاره» های «غوزمیت» جمزوری اسلامی، و شرکت مشعشعانه درشو «برانت از مشرکین»! و ریختن خون گوسپندان زبان بسته، از سفر «حج» با گرفتن عنوان دهان پُرکن «حاجی» به خانه بازگشتند و ضمن شرح آب و تاب دارمناسک حج و دیدنیهای ملک آل سعود به اهدای! سوغاتیهای از آب گذشته پرداخته و در خاتمه با برپایی یک مهمانی مفصل یا بقول خودمانی دادن «ولیمه»، پایان یافتن عملیات انجام فریضه واجب دینی را اعلان کردند.

برای تشرف به «حج» باید مستطیع بود و داشتن پول حلال از واجبات حتمی است یعنی «حاجی» ها باید پولشان، پول خون مردم و رشوه و اختلاس و دزدی و تنفروشی و از این دست نباشد و پول سوسیال و خبرچینی و کار سیاه و کلکهای دیگر نیزقبول نیست. بحث هم نکنید.

اما گره کار جای دیگر است. هر حاجی از نوع زنانه یا مردانه اش دستکم میان هفت میلیون تا بیست میلیون تومان هزینه حاجی شدن میکند و برای قتل نفس یک جاندار یعنی گوسپندهم، یکصد تا یکصد و چهل دلار میپردازد. ملیونها گرسنه هم درجهان چشم براه یک لقمه نان که بر اساس آمار سازمان ملل روزانه بیش از شش هزار تن از گرسنگی در جهان میمیرند. معلوم هم نیست این حاجیان برای خرید یا تجارت یا گردش یا پُر دادن یا

حاجی شدن یا اصلا برای چه میروند و ادعای مسلمانی شان هم البته که سرمیشکند و کلی هم طلبکار. محاسن و مَهر روی پیشانی و لچک به سر و نقاب به رو و درمقابل دیدگان بی بصیرتشان هم، دخترکان و پسرکان ایرانی را در برابر مشتی اسکناس به بیگانه میفروشند. آریا دختان در سرزمینهای تازی به حراج گذاشته میشوند. فرزندان ایران برای سدجو کلیه خود را میفروشند. دختران دم بخت جهیزیه ندارند و جوانان سرمایه. زنان تن میفروشند و مردان در پیش روی همسر و فرزند سرافکنده. پدران فرزندانشان را میکشند که بیشتر گرسنگی نکشند و ...

تعداد حاجیها را که یکصد و چهار هزار است در یکصد و بیست دلار بهای یک گوسپند ضرب کنید، راستی اگر فقط این پول صرف نیازمندان ایران میشد چه میشد. اگرخواستید تعداد حاجی ها را ضرب در میانگین ده میلیون تومان کنید. حوصله بیشتر و دل انسانی دارید در شماره همه حاجیهای امسال که بیش از 2700000 تن بودند و یا دستکم در تعداد گوسپندان و بهای یکصد و بیست دلار ضرب کنید، ارقام نجومی ای بدست میاید که بی شک همه گرسنگان جهان را سیرمیکند، و اما چه خوشبختتند سعودیها که به لطف یک هموطن شان از یکهزار و چهارصد سال پیش تا دنیا باقیست همه ساله ده ها میلیارد دلار به جیب خواهند زد. همین.

خانه همین جاست بیایید ببایید.

به یزدان اگر ما خرد داشتیم  
کجا ما این عاقبت بد داشتیم

با سپاس مته چی

## 17 دی ماه 1314 روز زن ایرانی



آزادی زن و مشارکت فعال زنان در تمامی امور جامعه را که 73 سال پیش **رضا شاه بزرگ** به اصرار، ارزانی بانوان ایرانی کرد و حجاب سیاهی و تیره روزی را از سر زن ایرانی برگرفت، امروز آریا دختها تنها در طلب «حقوق انسان بودن» از رژیم واپسگرای اسلامی و دستاربندان تروریست، گدایی میکنند.

17 دی روز آزادی آریا دختان ایران زمین  
بر همه زنان جهان فرخنده و پیروز باد.

نوشتند

### دزدها

درجلسه ای که علی خامنه ای، رفسنجانی و تمامی اعضای مجلس خبرگان، شورای اسلامی، تشخیص مصلحت نظام، هیات دولت، شورای نگهبان، قوه قضاییه، اتاق بازرگانی تهران، موتلفه، حجتیه، فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی، استانداران، نمایندگان خامنه ای دراستانها و نهادها، ائمه جمعه، آیات عظام و مدرسان حوزه ها و مدیران نهاد های اسلامی شرکت داشتند، پاسداری سراسیمه وارد شد و درگوش ولایت وقیح گفت که خزانه بانک مرکزی حاوی تمامی جواهرات سلطنتی و چند میلیارد دلار باقیمانده ازصندوق ذخیره ارزی همین الان به سرقت رفت.

خامنه ای از جا پرید و گفت: بسمه تعالی، امکان ندارد، همه دزدان که اینجا نشسته اند، خمینی هم که مُرده.

## اخطاب اسلامی در حُفته کردن به رهبری



# بنام ایران

با خون ما این میهمانی میکنند

برنامه های دهه زجر و سالگشت آمدن اهریمن را تحریم کنیم

## هموطنان سلحشور و آگاه

رژیم اسلامی تروریست و اشغالگر نیا خاک به خون نشسته، برای فریب افکار جهانی و داخلی همواره میکوشد تا از خود یک چهره موجه به نمایش بگذارد و خود را مورد پشتیبانی اکثریت قاطع مردم ایران نشان دهد.

برنامه ها و مراسم سالگشت آمدن اهریمن ایران سوز خمینی خون آشام و بر سریر قدرت نشستن دستاربندان کشتارگر در سرزمین ایزدان و پاکان، فرصتی برای رژیم دین سالار است که با تجهیز سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی، مزدوران امنیت و حراست و اوباش حزب الهی و تبلیغات همه جانبه و عوامفریبانه و با پخش غذا و کوپن و پرداخت پول و با هر گونه نیرنگ و تهدید و قول و وعده مردم را به خیابانها و مراکز مورد نظر خود آورد و بنمایاند که تا چه اندازه دارای حمایت مردمی است.

رژیم شیخ اوباشان به هنگامیکه در ایران بیش از سی میلیون تن زیر خط فقر زندگی میکنند و نزدیک به پنجاه میلیون نفر محروم دارد و آریا دختران ایرانی در سرزمینهای بیگانه به حراج گذاشته میشوند و شمار بسیاری از کارکنان و کارگران کشور ماه ها است که دستمزد کارکردشان را دریافت نکرده اند، هزاران میلیارد ریال بودجه برای برنامه های شرم آور **دهه زجر** و شکمبارگی مدعوین خارجی اختصاص داده اند و صد ها میلیارد ریال نیز در اختیار جاسوسخانه ها و نمایندگی های خود گذارده اند که میهمانان خارجی و ایرانیان پشت به میهن و مزدور رژیم را به سورچرانی فراخوانند.

## هموطنم

مراسم و برنامه های دهه زجر را **تحریم** کنید و در آنها شرکت نکنید و به جهانیان نشان دهید که حامی و پشتیبان این رژیم انسان ستیز حاکم بر آریا بوم نیستید. دهه زجر فرصتی است شایسته تا خشم و انزجار خود را از این رژیم سفاک و آدمکش نشان دهیم.

**تحریم دهه زجر** فروزشی است ماندگار از شرف، غرور، منش و تبلور همت، قدرت و غیرت ملت آزاده ایران که همواره در تاریخ باقی خواهد ماند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
بر قرار باد آیین شاهنشاهی  
پاینده ایران

سازمان رستاخیز ایران  
نگهبانان شاهنشاهی ایران زمین

**ویرانی، آدمکشی، تجاوز، سربریدن و از سرهای بریده مناره ساختن، افتخار دستاربسران است که ایران را به نیستی کشیدند. انقلاب ننگین و خونین روضه خوان و خائن و وطنفروش و ساده دل سی ساله شد.**

## شهیدان زنده اند

درگیری فلسطینیها با اسرائیل در غزه شدت گرفته و صورت یک جنگ تمام عیار را بخود میگیرد. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم اسلامی نیز همچنان «پارس» میکنند و پاچه هرکس و ناکس را میگیرند. اما این آخوندان پاچه ورمالیده حاضر نیستند تفنگی بردارند و برای دفاع از همپیمانان خود که حکومت و قدرتشان را از سرصدفه آنها بدست آورده اند، بجنگند. خاطریشان است که دقیقا سی سال پیش همین فلسطینیها برای برتخت قدرت نشاندن آخوندان و نابودی ایران، چه دماری از روزگار ما درآوردند و چه حمام خونی از پاکترین فرزندان ایران براه انداختند. واقعا که آخوندان خیلی نامرد و نمک شناس هستند. امروز هنگام پس دادن بدهی است، آن روز

آنها کمک کردند و امروز اینها باید کمک کنند. شهیدان زنده اند. پس غمی نیست. بشتابید تا شربت شهات تمام نشده.

## وقاحت و مکر آخوند

محاکمه جنایتکاران بین المللی در رژیم اسلامی

مکارتر، وقیح تر، بیشرمتر و بیشرتر از آخوند بی هیچ گمانی نه در جهان که در همه کهکشان ها هم نمیتوان یافت. آخوندی که به دلیل آن همه جنایت و تجاوز و چپاول و نسل کشی مشهود و نابود کردن یک سرزمین بزرگ و کهن چون ایران زمین، حتا نیاز به دادگاه و محاکمه جهانی و یا ملی ندارد و خودش و خانواده و نزدیکان و هوا دارانش سزاوارند که به اشد مجازات ممکن عقوبت ببینند در یک ترفند تبلیغاتی آخوندی

مرتکب تشکیل « دادگاه ویژه جنایات بین المللی » در تهران شده است تا جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی، نسل کشان و از این دست را در سراسر جهان دستگیر و به ایران منتقل کرده و به محاکمه کشند و قصاص اسلامی از قبیل دست و پا و سر بریدن، چشم در آوردن، زبان بریدن، از کوه پرت کردن، سنگسار، تجاوز جنسی، اسید پاشیدن، واجبی خوراندن، شلاق زدن، معتاد کردن، دهند. جنایتکاران عزیز هر چه سریعتر به ام القرای اسلامی بشتابند که غفلت موجب پشیمانی علی خامنه ای رهبر خواهد بود.

از تارنمای آریامهر دیدن کنید  
<http://www.aryamehr.org>

## کتاب پادشاه

رضا پهلوی شهريار ايران نگارش کتابی بزبان فرانسه که قرار است به زبان فارسی نیز برگردانده شود بپایان بُرد و بدست چاپ سپرد. این کتاب در برگیرنده دیدگاه های پادشاه در زمینه های گوناگون است.



## پادشاه در لندن

بفراخوان کمیته حقوق بشر مجلس عوام انگلیس، شهريار ايران در این کمیته حضور یافته و پیرامون حقوق بشر سخنرانی کردند. آنگاه در گفتگو با چند رسانه خارجی در زمینه حقوق بشر و دموکراسی صحبت کردند. شماری از ایرانیان از اینکه پادشاه اشاره ای به چگونگی رهایی ایران و امر رهبری و تشکل و قبول مسئولیت، نداشته اند سخت مایوس و خشمگین شدند. همچنین گروهی ساده انگار و جویای نام بی توجه به عواقب این دیدارها، در تلاش که شاید بتوانند ترتیبی دهند تا کمیته های حقوق بشر بعضی مجالس کشورهای اروپایی، از ایشان دعوت بعمل آورند.

حضور پادشاه در پارلمانهای کشورهای بیگانه، بیگمان فرصتی ارزنده برای دستاربران رژیم فراهم خواهد کرد تا رضا شاه دوم را دست نشانده بیگانه معرفی کنند. آیا کارچرخانها این معنا را میفهمند یا مامورند؟

## مناظره چهار گوش

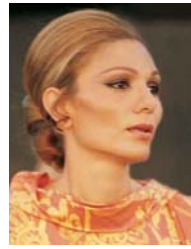
تنی چند از دلایان در گفتگو برای برپایی یک مناظره چهارنفره با حضور رضا شاه دوم، اردشیر زاهدی و دونفر از مخالفین پادشاهی و از عمده های انقلاب اسلامی، هستند. گویا بنا است برنامه خیانت «صدای انقلاب شما...» این بار بگونه ای دیگر تکرار و پادشاه را در قواره دو خائن قرار دهند. امید اینکه این مناظره صورت نگیرد.

## فقیرترین

دو پروفیسور اسکاندیناوی در پس پژوهش های خود در زمینه وضعیت مالی گروههای مهاجر به کشورهای اسکاندیناوی، اعلام کردند ایرانیان از فقیرترین این گروهها در این منطقه هستند.

## مهر باطل

دریک ضیافت شاهانه ازسوی بنیاد کودک در آمریکا، شهبانو برای اهدای جایزه به روی سن آمدند و ضمن سخنانی شهريار ايران و همسرشان را «رضا جون» و «یاسی جون» خطاب کردند و بخاطر نگهداری بچه ها از اعلیحضرت تشکر کردند. در این برنامه ستار ترانه ای زیبا بنام «شهبانو» در ستایش شهبانو خواند و سخنانی هم ایراد کرد و طی آن پادشاه را «جناب رضا پهلوی» خواند. گویا قصد بر این است که برخلاف قانون، تاریخ، عرف، عادت، سنت، منش و فرهنگ ایران احترام پادشاه را از بین برده و مهر باطل را بر پیشانی شاهنشاهی ایران و استمرار آن حک کنند.



بنیاد کودک برای نجات شماری از کودکان ایران بسیار کوشیده است اما، اگر ایران آزاد شود به حتم میلیونها کودک ایرانی نجات پیدا خواهند کرد.

نکته ها  
و  
تازه ها

## تخته شد



دریک شامورتی بازی جدید و با اعلام دستگیری شبکه جاسوسی انگلیس در ایران و برغم آمادگی پخش تلویزیون ماهواره ای فارسی زبان بی بی سی و قبول همکاری گویندگان و خبرنگاران صدا و سیمای اسلامی با آن شبکه، بدستور صفارهرندی وزیر اطلاعات اسلامی دفتر نمایندگی بی بی سی در ایران به فرنود تخلفات بسیار تخته شد. صفارهرندی فرزند تروریستی است که بدستور «فداییان اسلام»، حسنعلی منصور نخست وزیر را در برابر مجلس شورای ملی به قتل رساند. فداییان اسلام وابسته به سیاست انگلستان است که مرتکب ترورهای بسیاری در ایران شد.

## چنارهای سعدآباد

خوی ویرانگری، کینه جویی و عُقده آخوندی بسان جیب هایشان، انتها ندارد. آخوند ها این بار



اقدام به قطع درختان چنارمجموعه سعدآباد کرده اند. چنارهای سرسبزی که درپالایش هوای آلوده تهران موثرند و این در حالی است که با یک تاخیری سی ساله «کمیته اضطرار» آلودگی تهران را تشکیل داده اند. نکته نویس عقیده دارد دلیل قطع درختان، اطلاع عمامه بسرها از آویزان کردنشان از این درختان است.

## رقص قرانی

به هنگام آغاز همایش سازمان میراث فرهنگی با تم «سرمایه گزاری برای پروژههای گردشگری»، 12 زیبا روی ایرانی با دربر داشتن لباسهای رنگین محلی که دو مرد دف

زنان درپی آنها روان بودند و قران را روی یک سینی حمل میکردند با حرکات موزون روی سن آمده قران را به قاری

سپردند و از سن پایین آمدند و پس از پایان تلاوت قران دوباره با جنباندن خود و دف زنان به روی سن رفته قران را باز پس گرفته از سن پایین آمده تمامی درازای سالن را دف زنان و رقصان طی کرده و در برابر چشمان از حدقه در آمده حاضرین از سالن خارج شدند.

رحیم مشایی معاون رییس جمهور و رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پدرزن پسر احمدی نژاد، گروهی از مسئولان کشور، جمعی آخوند، سرمایه داران ایرانی مقیم خارج و تنی چند از خارجیان و سرمایه داران داخلی در این همایش شرکت داشتند.

## کلک آخوندی

با شدت گرفتن ستیز کانونهای قدرت و انحصاری کردن منصب «ریاست جمهوری»، مجلس اسلامی بر خلاف قانون اساسی ج.ا، شرایطی را برای داوطلبان نامزدی تعیین و تصویب کرد. سن میان 40 تا 75 سال و دارا بودن مدرک فوق لیسانس و ببالا و همچنین سابقه شغلی در یکی از مناصب مهم رژیم، از جمله این شرایط است. یعنی غربال مزاحمین و غیر خودی ها.



## با خون ما میهمانی میکنند

بر پایایی انواع همایش، کنگره، کنفرانس، نمایشگاه، فستیوال، اجلاس، مسابقه و موفقیت در پژوهش و اختراع و اکتشاف، ترفند مزورانه آوندها برای فریب افکار جهانی و مصرف داخلی و خروج از انزوا است. رژیم همساله میلیاردها دلار از «بیت المال» را صرف حمل چند هزار مفتخور خارجی، چند صد ایرانی خائن مقیم خارج و مثنی مزدور داخلی «آبونمان» این سورچرانها، میکند. پذیرایی شاهانه، «سرویس» شرعی و رایگان خانه های «عفاف»، پیشکشی فرش، صنایع دستی، تراول چک، پسته، چای، زعفران، تریاک «آیت الهی»، زیتون، لیمامانی، سبزی خشک و بویژه سنگ پای قزوین، از مشخصه های این میهمانی ها با خون ملت ایران است.



## شم پلیسی!

یک مرد سوئدی که سخت از «بوی فرند» دخترش تنفر داشت از فرصت سفر آن پسر به آمریکا استفاده کرد و بوسیله تلفن او را بعنوان تروریست به اف بی آی معرفی کرد. گروه ضد تروریست اف بی آی نیز بیدرنگ جوان سوئدی را دستگیر و زیر بازجویی قرارداد. پس از مدتی حقیقت امر روشن و جوان به سوئد بازگشت و درخواست ضرر و زیان از آمریکا برای مدت زندان کرد. مبارزه تروریستی یعنی این.



## ماکیاولیسم اسلامی

دکتر مهدی خزعلی فرزند آخوند خزعلی، از سران جمهوری اسلامی که خود را در ارتباط با امام زمان می داند، کتابی بنام «ماکیاولیسم اسلامی» در افشای آوندها نوشته که بزودی روی میز کتابفروشیها قرار خواهد گرفت.



## غیرت اسلامی

در برابر باج دهی جمهوری اسلامی به اعراب، کویت محدودیت شدیدی برای ایرانیان در مسافرت به این امیرنشین ایجاد کرد و در یک اقدام بی سابقه، پلیس دبی، همه مسافران ایرانی هواپیمایی جمهوری اسلامی را که از تهران وارد فرودگاه این شهر شده بودند به سالی برده و به بهانه اختفای مواد مخدر، مسافران اعم از زن و مرد و کودک را کاملاً «برهنه» و تفتیش کردند.

رژیم بجای مقابله بمثل و حتا اعتراض سکوت کرد و البته برهنه کردن زنان ایرانی کک اسلام را هم نگزید.

نکته ها  
و  
تازه ها

## شتر سوار شوید



وزیر راه جمهوری اسلامی در همایش «جاده» پیشنهاد کرد که اگر بناست اینهمه درجاده ها کشته شود بهتر است مردم بجای اتومبیل سوار شتر شوند.

## تروریست، نه دانشجو

خامنه ای پیامی برای «اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا» فرستاد که معلوم شد این دانشجویان فرزندان «خودیها» و یا پاسدارانی هستند که با پول مردم ایران سرازندانشگاه های اروپا درآورده اند.



ماموریت آنها آزراندانشجویان ایرانی مقیم، بازدارنده فعالیت آنها علیه رژیم اسلامی، تبلیغ برای آخوندان، برپایی مراسم سیاسی و مذهبی و حمله به تظاهرات و نشستهای مخالفین رژیم در اروپا است. شماری هم موظفند با رخنه میان مخالفین رژیم، گروههای مختلف خارجی، عضویت در احزاب محلی و همچنین از مراکز حساس و محافل کشورهای مقیم، اطلاعات لازم را جمع آوری کرده و به ایران بفرستند.

## چشم دشمنان کور

جمهوری غاصب اسلامی بوارون تبلیغات مضحک «خودکفایی»، حتا برای تامین نان مردم هم درماند. بنابراین از آمریکا



در خواست کمک فوری کرد و «پدر» با «تحریم»؟! بیدرنگ بیاری فرزند خلف خود شتافت و یک قلم یک میلیون و ششصد هزار تن گندم روانه «ام القرای» اسلامی کرد. البته به روش «آمریکایی». یعنی بهای بهترین نوع گندم که در هر تن 285 دلار است، آمریکا تنی 400 دلار به حساب فرزند «حزب الهی» خود گذاشت و نزدیک به 200 میلیون دلار اضافه گرفت. رژیم اسلامی سومین وارد کننده گندم در دنیا بعد از مصر و برزیل است.

## ختم مشکلات

به گزارش کانال خبر رژیم اسلامی، در شب چله، کمبود هندوانه و دستمال توالت؟! در تهران نخواهد بود. باز شاکر نباشید.



## تبعیض جنسی اسلامی

بر اساس آمار جمهوری اسلامی 63 درصد از پذیرفته شدگان دانشگاه ها دختر هستند و فقط 14 درصد از کارکنان کشور را زنان تشکیل میدهند که این نشانگر شکاف عمیق و تبعیض فاحش جنسی در ایران است. همچنین به گفته مدیرکل حراست وزارت علوم از هر هفت مورد خودکشی دانشجویان مربوط به پسران و بیست و یک مورد مربوط به دختران است و سالانه 4200 دانشجو در ایران خودکشی میکنند.

## ملت زنده

بیش از سه هفته است که بدلیل کشته شدن یک نوجوان یونانی بدست دو پلیس این کشور، اعتراض و تظاهرات و اعتصابات مردمی که به درگیری شدید با پلیس و خشونت می انجامد، برغم دستگیری دو پلیس و خساراتی بالغ بر 200 میلیون یورو، همچنان ادامه دارد.



## دام دام دیدیم دام

دو تن از معاونان  
سپاه پاسداران  
اسلامی به‌مراه



چند پاسدار به یاری علی دایی مقام امنیتی و سرمربی تیم ملی فوتبال، در پوشش همراهان تیم ملی فوتبال ایران به دبی رفتند و در دیداری پنهان با هیات مشترک مقامات مالی آمریکا و مدیران کرایسلر، در ادامه سیاست «مرگ بر...»، قراردادی منعقد و سپاه پاسداران متعهد شد که 55000 اتومبیل کرایسلر را از «دشمن»؟! خریداری و در ایران مونتاژ و بفروش برسانند. بدین ترتیب برادران سپاه آماده شهادت و کفن پوش به مصاف دشمن جهانخوار رفتند. کرایسلر را از ورشکستگی حتمی رهایی بخشیدند و ظفرنمون بدون استقبال رسمی و مردم در صحنه به خانه بازگشتند.

## جمهوری اسلامی ناقلا

بفراخوان  
سیاست خارجی سوئد،  
میکائیل ساکاشویلی  
رییس جمهوری  
گرجستان درباره



روسیه و امنیت گرجستان در استکهلم پایتخت سوئد به سخنرانی و گفتگو پرداخت. آروین خوشنود هموند این انستیتو به ساکاشویلی گفت، روابط روسیه و جمهوری اسلامی در زمینه های امنیتی، سیاسی و بازرگانی افزایش چشمگیر پیدا کرده که دلیل آن نیاز جمهوری اسلامی به پشتیبانی روسیه در مسایل جهانی و بویژه نقص حقوق بشر و دستیابی به نیروی هسته ای و سلاح اتمی است و از سوی دیگر روسیه هم به مساعدتهای رژیم اسلامی احتیاج دارد که بطور مثال گرجستان را به دشمنی با غرب ایزوله کنند. رییس جمهوری گرجستان طی سخنرانی اظهار کرد فکر نمیکنم که ایران بخواهد به طرفیت با غرب با روسیه همکاری و ما را ایزوله کند.

وصیت نامه حقیقی شاهنشاه آریامهر  
پیشکش نوروزی آزریاد - شماره 5نکته ها  
و  
تازه ها

## مسجد جمکران

احمدی نژاد در همان اوایل کار و در نخستین مصوبات دولتش 200 میلیارد ریال در اختیار متولیان مسجد جمکران قرار داد تا چاه دیگری در جهت سیاست زنانه و مردانه کردن چاهها کنده شود. که حال روشن نیست امام از چاه مردانه خارج خواهند شد یا زنانه. متولیان نمک شناس هم بی توجه به مشکلات مردک و ورشکستگی رژیم، خواستار مبلغ بیشتری هستند تا چاه های بیشتری بر سر راه هموطنان ساده دل، بکنند. خمینی در زمان حیات ننگینش اجازه نداد حتا ریالی از جوجه شرعی و یا دولتی به این «دکان»! پرداخت شود و درسفر به جمکران نیز حاضر نشد در مسجد آن نماز بگذارد.



## دانشگاه گورستان باید گردد

آخوند عمید زنجانی  
رییس دانشگاه تهران  
که در تلاش برای  
تبدیل این دانشگاه به  
«حوزه» مفتحضانه  
شکست خورد و



سرافکنده اخراج شد جای خود را به یکی از مقامات بلند پایه وزارت امنیت و اطلاعات رژیم اسلامی بنام فرهاد رهبر سپرد که فاقد سابقه دانشگاهی است.

رهبر با دارا بودن تجربه امنیتی و شکنجه گری، بیفین دانشگاه را نه به حوزه که به «سپاه چال» و «گورستان» تبدیل خواهد کرد. او گرد راه را نتکانده خواهان پوشاندن «اونیفرم» به تن دانشجویان و ساخت آرامگاه برای شهدای جنگ در محوطه دانشگاه تهران شده است. رهبر موفق شده در برابر سکوت دانشگاهیان خود فروخته، تا کنون 5 تن را بعنوان شهید در محوطه این دانشگاه به خاک بسپارد.

## غذای حلال

چهارشنبه 26 نوامبر سال جاری در استکهلم پایتخت سوئد، رسول اسلامی سفیر رژیم اسلامی، پنج تن از نمایندگان مجلس اسلامی، عضو کمیسیون بودجه، که دو تن از آنها از رشت و



اصفهان بودند و رضا خلیلی (دیلمی) نماینده مجلس سوئد از حزب راست در رستوران «علی بابا» بصرف غذای کاملاً حلال مشغول بودند. آنها از رضا خلیلی میخواستند که با توجه به وخامت اقتصادی ایران، اتاق بازرگانی ایران و اسکاندیناوی بکوشد تا سرمایه های ایرانیان و خارجیها را جذب ایران کند.

رضا نیز ضمن برشمردن دشواریهای کار، از یک خانواده هوادار شاهنشاهی و دشمن رژیم اسلامی که سد راه فعالیتهای او هستند، بشدت شکایت داشت.

در برابر کسانی سر فرود آوریم  
که به حکومت خون و جنون همواره «نه» گفته اند

